

## سوره کوثر (۱۰۸)

### ارتباط با سوره قبل

نام این سوره که از اولین آیه آن گرفته شده است، با نام سوره قبل که از آخرین آیه آن گرفته شده، حقیقت واحدی را از دو بعد نشان می دهد. به این ترتیب پیوند این دو سوره با حلقه ای که از یکطرف به «ماعون» (آخرین کلمه سوره قبل) و از طرف دیگر به «کوثر» متصل است آشکار می گردد.

دو کلمه ماعون و کوثر از نظر لغوی معنایی مشابه دارند بطوریکه اهل لغت تعریف واحدی برای هر دو کرده اند:

ماعون: مبالغه معن = چشمه جوشان، خیر بسیار، افزایشنده سرشار.

در سوره ماعون نشان داده می شود که چگونه دنیاپرستان قریش نعمت های رزق و امنیت را که از منابع فیاض خیر و رحمت الهی سرچشمه می گیرد از محرومین و یتیمان دریغ می کنند و مانع بهره مندی آنان می گردند<sup>۱</sup> (و یمنعون الماعون). آنها به این وسیله «سرچشمه های خیر و رحمت» را در جامعه می خشکانند و فقر و محرومیت و ظلم و جور را توسعه می دهند. در سوره «کوثر» علیرغم تلاش کافران در خشکاندن این چشمه، از کوثر فیاضی که به پیامبر (ص) عطا شده سخن می گوید، کوثری که لایزال می جوشد و تشنگان حقیقت را سیراب می نماید. (انا اعطیناک الکوثر).

---

۱. مسئله «ممانعت کردن» عمدتاً در آیات قرآن درباره «خیر» (منافع مادی)، پس از آن ذکر خدا و سجده او که خیر معنوی است آمده است. از جمله:

(۲۱/۷۰) اذا مسّه الخیر منوعاً، (۲۵/۵۰) مناع للخیر معتد مریب، (۲/۶۸) مناع للخیر معتدائیم، (۱۱۴/۲) و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه، (۱۲/۷) قال ما منعیک الا تسجد اذ امرتک.

علاوه بر نام دو سوره که بر محوری مشترک قرار دارد، مضامین آنها نیز بر موضوعات مشابهی تعلق گرفته است. از جمله موضوع «صلوة» و «اطعام گرسنگان» می باشد که عیناً در هر دو سوره مورد عنایت قرار گرفته است. در سوره ماعون از کسانی یاد می کند که نسبت به نمازشان حالت غفلت و فراموشکاری و اعراض دارند (الذین هم عن صلاتهم ساهون). در سوره کوثر علیرغم چنان بی توجهی از ناحیه کافران، به پیامبر اکرم فرمان می دهد برای پروردگار نمازگذار (فصل لربک). در سوره ماعون بی رغبتی کافران را نسبت باطعام گرسنگان مورد مذمت قرار می دهد (و لا يحاضون علی طعام المسکین) و در این سوره برای جبران چنان بخل و بی مایگی، پیامبر را توصیه می نماید که شتر (عزیزترین مایملک عرب را برای اطعام گرسنگان) قربانی نماید.

به این ترتیب همانطور که نام «ماعون» یادآور تلاش کافران برای خشکاندن چشمه خیر (یمنعون الماعون) است، نام «کوثر» یادآور چشمه فیاض فضل و رحمت الهی در وجود پرخیر و برکت رسول اکرم می باشد. آنچه در متن دو سوره نیز آمده است گویای این دوگانگی و تضاد می باشد.

#### تکاثر و کوثر (حرکت از برون به درون و از درون به برون)

دو سوره تکاثر و کوثر که هر دو در اولین سال بعثت در مکه نازل شده اند، دو بعد فزونی و افزایش را در دو زمینه مادیات و معنویات نشان می دهد. تکاثر (در باب تفاعل) رقابت پی درپی و نامحدود افراد را برای کسب منافع مادی بصورت متقابل و بدون هدف و برنامه ای عقلانی نشان می دهد. این عمل که در انعکاس با محیط و مردم دائماً حالت تصاعدی پیدا می کند، حرکتی عقیم از برون به درون است و جز مصرف و اسراف نتیجه ای ندارد. درحالیکه کوثر حرکتی زاینده و خودجوش و جریانی از درون به بیرون است که لایزال ادامه دارد. انسانهای دنیاطلب تا دم مرگ دنبال اولی هستند (الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر)، در حالیکه حق طلبان تشنگی خود را از چشمه ای که پروردگار از وجود پاک پیامبر جاری ساخته است سیراب می نمایند. و در هر حال بدلیل اختیاری که خداوند به انسان عنایت کرده، در مدت زندگی دنیا هر دودسته را در راهی که برگزیده اند مدد می نماید و از دریای کرم و عطای خویش به هر کدام هر آنچه از مادیات یا معنویات طلب نمایند و شایستگی آنرا کسب نمایند می بخشد:

کلا نمذ هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک و ما کان عطاء ربک محذورا<sup>۱</sup>.

آیه فوق نشان می‌دهد که «عطای» پروردگار، اعم از دنیوی یا اخروی، در دسترس بندگان است و هرکس بر حسب قابلیت و ظرفیتش از آن بهره می‌گیرد. از آنجائیکه به تناسب لیاقت‌ها و شایستگی‌ها این «عطا» افزایش می‌یابد، در مورد شخص رسول اکرم (ص) که خیر خلق الله و شایسته و رشد یافته‌ترین انسانها بود، می‌بایست مقدار «عطا» متناسب با قدر آن حضرت باشد و به دلیل آنکه وجود پر خیر و برکت پیامبر تا قیام قیامت آثاری جاری و جاودان دارد و سیره و سنت او هدایتگر نسلهای متوالی می‌باشد، خداوند به آن حضرت کوثر را عطا فرموده است که همچون چشمه جوشان، لایزال فیض و فائده‌اش به همگان می‌رسد.

در مورد اینکه کوثر چیست، مفسرین اقوال مختلفی عرضه داشته‌اند که بیشتر مصداق و موردی از کوثر می‌باشد. بنظر می‌رسد همه آنچه گفته شده فرع بر هدایتی باشد که از طریق وحی بصورت کتابی خواندنی (قرآن) بر آن حضرت نازل شده. این هدایت که بصورت نوری بر قلب پیامبر تابیدن گرفت، حجابهای گمراهی را کنار زد و آثار فراوانی بجای گذاشت که هر کدام شعبه و شاخه‌ای از جریان اصلی کوثر می‌باشد. اگر اثر این کوثر را در وجود پیامبر (ص) در نظر بگیریم، شاید تحقق «علم و حکمتی» باشد که قرآن در مورد انبیاء مختلف از آن یاد کرده است.

نکته قابل توجه اینکه در این سوره بصورت ماضی از اعطای کوثر به آن حضرت یاد می‌کند: (انا اعطیناک الکوثر) و در سوره «ضحی» بصورت مضارع مستقبل از اعطای چیزی که ماهیت آن نامشخص است: (و لسوف یعطیک ربک فترضی).

۱. اسراء - ۲۰ - ما هر کدام را، هم اینان و هم آنان را از عطای پروردگارت امداد می‌رسانیم و عطای پروردگار تو (از کسی) باز داشته نیست.